

باسمه تعالی

گزارش راهبردی مدیریت «اعتراض امن»



هسته افکار عمومی و تغییرات اجتماعی
مرکز رشد دانشگاه امام صادق علیه السلام

مردادماه ۱۳۹۹

بخش اول: تحلیلی از وضعیت روانشناختی گروه‌های اجتماعی در وضعیت کنونی

به صورت کلی وضعیت امروز جامعه ایران را از حیث اقتصادی و نارضایتی نسبت به وضع موجود، در تحلیلی چهار طبقه‌ای (بالا، متوسط بالا، متوسط پایین، محروم) می‌توان ارزیابی کرد. طبیعتاً این ارزیابی از نظرگاه وضعیت روانشناختی نسبت به وضعیت فعلی جامعه است و نوشته حاضر در مقام امکان سنجی مشارکت این طبقات در تجمعات آشوب‌ناک و اغتشاش‌گونه به مطالعه این گروه‌ها می‌پردازد و ادعای تحلیل همه ابعاد جامعه‌شناختی این گروه‌ها را ندارد.

۱- طبقات بالا: این طبقه افراد دو دهک بالای اقتصادی جامعه (حدود هشت درصد از جامعه) را شامل می‌شود. وضعیت مالی طبقه بالا در این ایام تغییری نکرده است، اغلب آن‌ها سرمایه‌هایی نظیر طلا و مسکن و کسب و کارهای پر سودی دارند که در شرایط فعلی آسیب‌پذیری آن‌ها را حداقل کرده است. از حیث فرهنگی، طبقه بالا مست‌مصرف‌گرایی و درگیر مراقبت‌های کرونایی هستند. این طبقه اغلب از شرایط فعلی جامعه مخصوصاً در بعد آزادی‌های اجتماعی ناراضی هستند اما نارضایتی آن‌ها زمانی جنبه اعتراضی پیدا می‌کند که سوار بر اعتراض گروه‌های دیگر شوند و بتوانند ضربه‌ای در میانه اعتراض‌ها وارد کنند.

۲- طبقه متوسط بالا: این افراد که جمعیت حدود سی و پنج درصدی از جامعه را شامل می‌شود، افراد دهک هشتم، هفتم و ششم را در خود جای داده است. این طبقه نسبت به طبقه‌ی بالا دارای آسیب‌پذیری بیشتری هستند. اغلب افراد این طبقه دارای سرمایه‌های اندک هستند که این روزها با فراهم شدن فضای سرمایه‌گذاری در بورس و یا پس‌انداز در حوزه طلا و مسکن و کالاهای سرمایه‌ای دیگر مانند خودرو، اندوخته‌ای دارند. این گروه از حیث روان‌شناختی از سویی نگران بدتر شدن وضعیت خود و از طرف دیگر به دنبال تغییر ساختاری در زمینه‌های بروز این شرایط و تصورات خویش هستند. اگر در آینده نزدیک در ناحیه اقتصادی شوک بزرگی مانند بروز نابسامانی در بورس که منجر به ضرر این گروه شود و یا نابسامانی در حوزه طلا و مسکن در جامعه ایجاد شود، آن‌ها را راضی به هر سطحی از آشوب و براندازی میدانی خواهد کرد.

۳- طبقه متوسط پایین: این طبقه که حدود چهل و پنج درصد جامعه ایران را شامل می‌شود افراد سه دهک سوم و چهارم و پنجم طبقات اقتصادی را دربرگرفته است. این گروه متحمل بیشترین ضرر از وضعیت اقتصادی فعلی هستند. این طبقه در مسکن (اغلب اجاره نشین) و خودرو و پس‌انداز و رفاه روزمره به شدت آسیب‌پذیر هستند و نابسامانی اقتصادی باعث شده است، برنامه ریزی اقتصادی این طبقه که به وسیله آن روزگار خویش را کُردار و مریز طی می‌کردند به کلی به هم بریزد. این گروه با سرعت حرکت طبقاتی رو به پایین خود را احساس می‌کند و از همین رو آماده جرقه‌ای برای به آتش کشیدن است. اصلی‌ترین نگرانی برای بروز اغتشاش و آشوب در فضای جامعه برای این طبقه وجود دارد و طبعاً این طبقه اصلی‌ترین گروه مخاطب برای معاندین و براندازان برای برپایی اغتشاش هستند.

۴- طبقه محروم: در طبقه محروم، دو دهک پایین جامعه حضور دارد که دوازده درصد از جمعیت کشور را شامل می‌شود. این طبقه در موقعیت فعلی جامعه مدیریت فلاکت می‌کند و با مواسات و یارانه‌های دولتی و بهره‌گیری از شرایط اقتصاد زیرزمینی و تک فرصت‌هایی که در کرونا پدید می‌آید روزگار می‌گذرانند. طبقه محروم بر اساس محاسبه لحظه‌ای عمل می‌کنند و مخاطب اصلی کمپین کمک همدلانه هستند و در صورت ادامه وضعیت فعلی و عدم موفقیت نسبی حاکمیت در اجرایی کردن طرح مواسات اجتماعی به صورت جامع و کلی، احتمال همراهی‌اش با اعتراضات آشوب‌ناک بیشتر از عدم همراهی است.

پس به صورت کلی می‌توان طبقه متوسط پایین را اصلی‌ترین گروه فعال در اغتشاشات در فضای جامعه به فرض امکان سازماندهی از طرف گروه‌های سیاسی معاند دانست. ذکر این تذکر لازم است که نهایتاً میزان مشارکت طبقات اجتماعی فوق در اغتشاشات به میزان زیادی وابسته به مؤلفه «پایبندی به نظام» است که در مقام خود قابل تحلیل است؛ لکن به فرض امکان سازماندهی گروه‌های برانداز در فضای اجتماعی، مشارکت طبقات فوق ولو به میزان اندک نیز خسارات زیادی را به بار خواهد آورد.

بخش دوم: پیشنهاداتی برای عبور از این مرحله

در کنار راهکارهایی که در حوزه اقتصادی و سیاسی مطرح می‌شود، به نظر می‌رسد در مقطع کنونی، اصلی‌ترین حوزه‌ای که می‌توان برای برون رفت از وضع موجود و جلوگیری از آسیب‌پذیری نظام مطرح کرد، مدیریت اعتراض در سطح کشور است.

اصل اعتراض در جوامع باعث جلوگیری از رادیکال شدن سطح دیدگاه‌ها در فضای سیاسی می‌شود و گفتگوپذیری جامعه برای حل مشکلات‌شان را افزایش می‌دهد. امری که در طولانی مدت منجر به افزایش مشارکت سیاسی مردم خواهد شد. برای توصیف وضعیت وابستگی مردم در جوامع و سازمان‌ها یک دوگانه وجود دارد: خروج یا وفاداری. مردم یا به آرمان‌های سازمان/نظام وفادار هستند و به فعالیت در آن ادامه می‌دهند یا از سازمان/نظام خارج می‌شوند. در کنار این دو راه یک راه سوم نیز مطرح می‌شود به نام اعتراض که راهی است به مثابه وفاداری برای بهبود شرایط موجود. اگر سازمان راه اعتراض را برای بهبود باز نکند طبیعتاً برای افراد راه خروج پیش گرفته می‌شود. لذا بهتر است که سازمان برای اینکه وفاداری افراد اثر تلقی شده، حفظ یا حتی بیشتر شود، اصل راه اعتراض را باز گذارد. اصل اعتراض مطلقاً باید به رسمیت شناخته شود هر چند پس از اعتراض، قانون و حقوق اشخاص و نهادها و اصل نظام هم محفوظ است و ممکن است در قبال «معترض» اعمال گردد.

به نظر می‌رسد برای مدیریت اعتراض امن در فضای کشور چهار دسته پیشنهاد کارساز و عملیاتی باشد: اعتراض نخبگانی، اعتراض رسانه‌ای، ظرفیت‌کنشگری سلبریتی‌ها در اعتراضات و اعتراض میدانی. در ادامه این چهار محور بررسی خواهد شد:

۱. اعتراض نخبگانی

از آنجایی که نخبگان در هر جامعه از سویی به پشتوانه‌ی بدنه‌ی اجتماعی خود، مجرای ترویج ایده‌های نو و نوآوری‌های اجتماعی هستند، و از سوی دیگر توانایی گفتگو و مفاهمه با ساختار قدرت (قوای سه‌گانه یا نهادهای قدرتمند دیگر نظیر رسانه) را دارند، واسطه‌های بسیار مناسبی برای برقراری گفت و گو میان حکومت و مردم و ایجاد فضای «اعتراض امن» در جامعه هستند، چرا که ویژگی اصلی اعتراض نخبگانی، اعتراض برای ایجاد تضارب آرا است و نه اغتشاش و نا آرامی.

به بیان دیگر، هرچه اعتراض از سطح نخبگانی به سطح توده‌ای منتقل شود، میزان آثار مخرب آن بیشتر، و میزان قابلیت دستکاری و کنترل از سوی نیروهای برانداز و ضدملی بیشتر می‌شود، چرا که ویژگی حرکت‌های توده‌ای ابتناء بر احساسات و خشم است و نیروهای بیگانه می‌توانند به راحتی این خشم خطرناک را جهت دهی کرده، یا با نفوذ به راحتی خود را به بخشی از توده تبدیل کنند. اما در اعتراض نخبگانی از آنجا که فرد معترض به واسطه‌ی سابقه و اعتبار خود و همچنین میزان بدنه اجتماعی خویش وارد فضای گفت و گو می‌شود، معمولاً تمایلی برای تخریب فضای گفتگو ندارند چرا که قدر گفت‌وگو را می‌دانند و اثرگذاری آن را در تجربه دیده‌اند. برعکس توده‌های خشمگین تمایلی به گفت و گو و حل و فصل مشکلات به صورت نرم ندارد چرا که اثری از آن نمی‌بیند. اما هنگامی که متوجه اعتراض و مطالبه‌ی یکی از نخبگان شوند، و سپس اثرگذاری آن در تصمیمات را مشاهده کنند، به اصلاح امور و آینده امیدوار می‌شوند.

می‌توان مزیت‌های سه‌گانه‌ی اعتراض نخبگان را در موارد زیر خلاصه کرد:

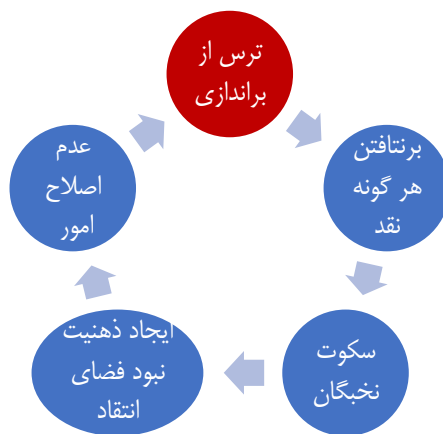
۱. اعتراض نخبگان نرم و از طریق گفت و گو است
۲. در حاکمیت و مدیریت کشور اثر گذار است
۳. این اثر گذاری می‌تواند به شدت حامیان و همفکران این نخبگان را در کشور به اصلاح امیدوار کند

۱/۱ دور باطل

به دلیل حجمه‌ی فراوان جریان‌هایی با عنوان «براندازی»، ترس از تلاش برای سقوط نظام به یک ترس همه‌گیر تبدیل شده، و نه تنها نیروهای امنیتی (که وظیفه‌ی آن‌ها مقابله با چنین جریاناتی است)، بلکه در نیروهای مردمی نیز نفوذ کرده، و از این رو با بسیاری از نقدهایی که بعضاً به عملکرد نظام وارد است نیز با دیده‌ی تردید نگریسته و به راحتی برچسب ضد نظام را به منتقدینی که بعضاً دلسوز نظام نیز هستند وارد می‌آورند.

این جریان باعث شده است که بسیاری از منتقدین دیگر که متوجه مشکلاتی در اداره‌ی امور کشور شده اند و راه حلی برای آن نیز دارند از بیان ایده و طرز فکر خود منصرف می‌شوند. در نتیجه جریان سومی که از ابتدا دل خوشی از نظام و انقلاب اسلامی نیز ندارد، به این اعتقاد می‌رسد که در کشور زمینه و فضای نقد و اعتراض وجود ندارد، چرا که «نمی‌گذارند!» و لذا از اصلاح امور به کلی نا امید شده، زمینه برای دست زدن به حرکات افراطی نظیر آشوب ایجاد می‌شود.

در صورتی که فضای نقد در بستر گفت و گوی نخبگانی شکل گیرد، هم به دسته‌ی اول اثبات می‌شود که امکان نقد با نیت اصلاح و بدون تمایل به براندازی وجود دارد و افسانه‌ی براندازی برای بخش بزرگی از جامعه ریخته شده و باب گفت و گو با مخالفان یا جریانات مختلف باز می‌شود. از سوی دیگر، افرادی که تا کنون بر طبل «نمی‌گذارند» می‌کوبیدند نیز متوجه یک مسیر اصولی و اثر گذار و بدون حاشیه سازی و هجمه‌ی اضافی برای اصلاح امور می‌شوند و همین توجه باعث ایجاد انگیزه در دسته‌ی بزرگی از جامعه شده و به سوخت اجتماعی برای رفع بسیاری از مشکلاتی که به دست مردم قابل حل است تبدیل می‌شود. البته لازم به ذکر است که از این انرژی آزاد شده باید به صورت مناسب به نفع کلیت جامعه و انقلاب اسلامی استفاده شود که در بخش «اعتراض میدانی» بیشتر به آن پرداخته خواهد شد.



۱/۲ ملزومات اعتراض نخبگان

۱/۲/۱ تعدیل براندازی‌هراسی

ترس از براندازی یکی از موانع مهم اصلاح نظام آزادی‌های سیاسی در کشور شده است. باید در قالب یک گفتمان به کلیه‌ی مردم و نخبگان ثابت شود که «براندازی»، «فروپاشی» و تعابیر نزدیک به آن، مانع نظری و عملی «امکان اعتراض» نیست. یکی از دلایل جدی این مسئله عدم وجود آلترناتیو برای جمهوری اسلامی است و علاوه بر آن دشمنان نظام از اسرائیل و سعودی تا مجاهدین و سلطنت طلب‌ها بدنه ایدئولوژیک غالبی ندارند هرچند گوش‌های زیادی به تحرکات آن‌ها توجه دارد.

۱/۲/۲ ورود به فضای «عمومی»

اعتراض به مثابه یک آیین سیاسی ولو در قالب گفتگوی چالشی باید در جامعه دیده شود و طبیعی انگاشته شود. یک عادت‌واره در فضای جامعه ایران وجود دارد که هرگاه در فضای برنامه‌های صدا و سیما، مهمانان برنامه نقدهای تند و تیز مطرح می‌کنند، افکار عمومی اینگونه می‌اندیشد که عدم کنترل صدا و سیما منجر به انتشار چنین برنامه‌ای شده و می‌گویند: «حتما این قسمت از دستشان در رفته که منتشر شده است.» این تصور باید در فضای عمومی شکسته شود. مهمترین وجهی که باید برای اجتناب از توده‌ای شدن بحث رعایت نمود، رعایت ادب، منطق و استدلال منطقی و دوری جستن از احساساتی کردن گفت و گو است. گفتگوها باید به صورت ضابطی باشد که نهادهای پخش کننده بتوانند در چارچوب مسائل اخلاقی و حقوقی از تمام مناظره دفاع کنند.

برای «عمومی» بودن یک گفت و گو نیز باید توجه داشت که علاوه بر نکات فوق، قابلیت گفت و گو و فهم برای دسته‌های مختلف اجتماعی وجود داشته باشد و تنها به یک یا دو طرز تفکر منحصر نشود. به بیان دیگر، گفت و گویی عمومی است که در آن تنوع نقطه نظرات و جریانات اجتماعی و سیاسی لحاظ شود، و با حذف چند جریان، شائبه مهندسی شده بودن این گفت و گوها ایجاد شده و به کلی اثرگذاری آن از بین می‌رود، حتی اگر تندترین و افراطی ترین نقدها هم بیان شود.

۱/۲/۳ پاسخگویی متقابل

احتمال بسیار زیادی وجود دارد که جریانات شکست خورده و امتحان پس داده در تاریخ جمهوری اسلامی، از این فضای باز شده سوء استفاده کرده و نسبت به کلیت مسیر طی شده در چهار دهه اخیر اشکال و ایراد وارد نمایند. در عین حال که نایستی باب گفت و گو با برچسب زنی بی مورد بسته شود، و گروه یا جریانی از گفت و گو حذف شود، اما نباید فضا برای اتهام زنی بدون پاسخ گویی باز شود. نمایندگان هر جریان باید علاوه بر وارد نمودن ایرادها و اشکالات به مسیر طی شده، پاسخگویی ایرادات و اشکالات تجربه‌ی تاریخی جریان خود نیز باشند.

۱/۲/۴ آزادی پس از اعتراض

نهادهای امنیتی نیز باید با فضای گفتمان اعتراض امن هم‌انگ باشند و آزادی پس از اعتراض را برای معترضان تامین نمایند. دستگیری و ممنوعیت بیان برای گروه‌های منتقد نه تنها مشکلی را حل نمی‌کند، بلکه در ابعاد بین‌المللی باعث ایجاد ذهنیت منفی نسبت به جمهوری اسلامی شده و در داخل نیز نیروهای اجتماعی مختلف را مستهلک و از ایجاد اثر مثبت در جامعه نا امید می‌کند.

۲. اعتراض رسانه‌ای

یکی از مهم‌ترین عوامل در جهت کنترل یا تشدید اعتراضات مردمی رسانه‌ها هستند. در این میان رسانه‌های جریان اصلی همچون صدا و سیما و خبرگزاری‌های رسمی و روزنامه‌های زنجیره‌ای نقش تعیین‌کننده‌ای را بر عهده دارند. با توجه به شرایط موجود کشور و همچنین سیاست‌های بسته و ناکارآمد صدا و سیمای ایران، نیاز است تا درباره ایجاد محیط اعتراضی سیاست‌های دیگری را اتخاذ نمود. بر این اساس پیشنهادات به دو بخش تقسیم می‌شود. ۱- ایجاد محیط اعتراضی در رسانه ۲- نحوه پوشش رسانه‌ای اعتراضات در هنگام شورش.

۲/۱ ایجاد محیط اعتراضی

بر این اساس افکار عمومی باید احساس کند صدایش در رسانه‌های رسمی که از حاکمیت پیروی می‌کنند شنیده می‌شود. شنیده شدن اعتراض و تند شدن رسانه البته عوارضی خواهد داشت اما در کل در جهت قانون آزادی بیان و داشتن حق اعتراض در نظام جمهوری اسلامی دستاورد خواهد بود. لذا پیشنهادات این بخش ناظر به ایجاد محیط انتقادی و اعتراضی در سیما می‌باشد. نکته بسیار مهم این است که باید به صورت دقیق و کاملاً هدفمند اعتراضات رسانه‌ای را اجرا نمود به عبارت دیگر رسانه باید برای هر هفته خود یک مسئله اعتراضی مورد بررسی قرار دهد تا از شلختگی و گم شدن مباحث جلوگیری شود. بر این اساس پیشنهادات زیر قابل تامل است:

۲/۱/۱ ساخت برنامه‌هایی با ژانر طنز انتقادی

ژانر طنز انتقادی یکی از ژانرهای محبوب و در عین حال موثر در تلویزیون‌های جهانی است که باعث می‌شود تا مردم انرژی خود را تخلیه نمایند و لاقلاً در قالب طنز بتوانند حرف خود را به مسئولین برسانند. طنز انتقادی یکی از موثرترین و بومی‌ترین فرم‌های اعتراضی در ایران محسوب می‌شود. به عنوان مثال برنامه دورهمی مهران مدیری باتمامی نواقصی که دارد، اما ادبیات طنز و انتقادی مهران مدیری در بسیاری از مواقع توانسته است، صدای مردم باشد. این مسئله در نحوه گسترش پیام‌های مدیری در شبکه‌های اجتماعی قابل ردگیری می‌باشد. البته فرم کلی برنامه دورهمی به نحوی تلخ و سیاه است اما

باز به شدت کارکردهای اعتراضی داشته و دارد. افزایش فرم‌های طنز و انتقادی متنوع و متکثر می‌تواند بسیار سودمند باشد. پیشنهاد می‌شود از گروه‌های هنری و حتی معترض به وضع موجود دعوت شود تا برنامه‌های طنز را بسازند.

۲/۱/۲ ساخت برنامه‌های گفت و گویی

در این فرمت تا کنون برنامه‌های انتقادی کم و بیش موفق ساخته شده است اما دو نکته مهم در آن‌ها رعایت نشده است که می‌تواند از دلایل کمتر دیده شدن در سطح مخاطبین خاکستری نیز باشد.

ابتدا جنس مهمانان به نحوی است که از صدای گروه‌های اجتماعی/سیاسی نمایندگی رسایی نمی‌کند در مواقعی نیز که طرف مقابل گفت و گو اصلا حضور ندارد. به خصوص حضور افراد مورد اطمینان دولت باید در دستور کار قرار گیرد. همچنین همانطور که معاونت سیما اخیرا در اقدامی سلبریتی‌های اینستاگرامی را به عرصه سیما آورده است در حوزه خبر و معاونت سیاسی نیز به نظر استفاده از ظرفیت سلبریتی‌های سیاسی فضای مجازی می‌تواند قشری از مخاطبین را همراه کند.

دومین مشکل که بیشتر فنی و فرمی محسوب می‌شود ناظر به ساخت و تولید برنامه هاست. اساسا برنامه‌های گفت و گو محور یک فرم تکراری و کلیشه‌ای محسوب می‌شود که سوژه‌های جذاب به همراه تکنیک‌های فنی جذاب از جمله استودیو، تدوین و پلن‌های مختلف از جمله جذابیت‌های بصری این برنامه‌ها است. همچنین حضور مخاطب در استودیو یکی از تکنیک‌های موفق در جذب مخاطب در چند سال اخیر بوده است. این تکنیک در برنامه‌های سیاسی محور و گفت و گویی کمتر مورد استفاده قرار گرفته است.

برنامه‌های گفت و گویی البته باید هدفمند باشد و چه بسا می‌شود در حوزه‌های مختلف افراد مختلف برای این کار استفاده کرد یعنی برخی موضوعات باید به صورت نخبگانی مورد نقد قرار گیرند.

یکی از نکات بسیار مهم در این زمینه آن است که در برنامه‌های گفت و گو محور باید نقد دولت به صورت منطقی و علمی شکل بگیرد راهبرد کلان در این بخش این است که این برنامه‌ها رفته رفته بتوانند در ذهن مخاطب عملکرد دولت را از عملکرد نظام جدا سازند تا راه گفت و گو بیشتر باز شده و اثر مند واقع شود.

نوع ساختار شکنانه و پیشرو این نوع از برنامه‌ها باید در شبکه چهارم سیما تولید شود. شبکه‌ای که مخصوص نخبگان است و بیننده خاص دارد. همچنین قابلیت بیان حرف‌های رادیکال بیشتری را داشته و مهمانان خاص را نیز دعوت کرد. در این برنامه‌های گفت و گویی لازم است تا از اندیشمندان چپ و حتی ضد انقلاب دعوت شود تا در یک گفت و گوی حرفه‌ای تضارب آرا شکل بگیرد.

در این گفت و گو ها نباید به چهره‌های رده دوم و سوم اکتفا نمود، بلکه باید چهره‌های اصلی جریان‌های فکری مختلف امکان حضور را داشته باشند تا مخاطب احساس کند اتفاق جدیدی در حال رقم خوردن است. به عنوان مثال امثال سلمان کدیور، مصطفی ملکیان، عبدالکریم سروش و... باید در این برنامه‌ها حضور یابند تا اعتماد جامعه نخبگانی به برنامه‌های سیما نیز بازگردد و سطح مباحث از نزاع‌های سیاسی به جدال علمی تبدیل شود. همچنین در این برنامه‌ها باید امکان نقد به نظام

در تمامی حوزه‌ها باید جایز باشد. در یک جمله برنامه‌هایی که از شبکه‌های نخبگانی همچون شبکه چهار پخش می‌شود باید بسیار آوانگارد و خط شکنانه باشد.

۲/۲ نحوه پوشش رسانه‌ای اعتراضات در هنگام شورش احتمالی

یکی از معضلات مهم رسانه ملی که باعث ایجاد حس ناامیدی، سرکوب و خشم می‌شود نحوه ناکارآمد و پروپاگاندایی پوشش اعتراضات مردمی می‌باشد. در این راستا خبر نویسی و پوشش رسانه‌ای بسیار مهم است در این راستا پیشنهادات زیر ارائه می‌شود:

۲/۲/۱ تغییر ادبیات گفتمانی خبر

(در گفتمان خبر، رسانه ملی کسی است که تا لحظه مخابره خبر آرام و مؤدب به کار خود ادامه می‌دهد و اغتشاشات را محکوم می‌نماید و اغتشاشگر هم کسی است که صدای او از خیابان ما را می‌آزارد) رسانه ملی در چند اعتراض قبلی یک اشتباه بزرگ مرتکب شد که با هیچ یک از اصول اسلامی، قانونی کشور هماهنگی نداشت. آن هم دوگان سازی معترضین به اغتشاش‌گران و اعتراض‌گران است. این دو گان اشتباه که به مرام رسانه‌های آمریکایی نزدیک تر است و با برچسب زنی دهان مردم را می‌بندد باعث شده است تا در عامه مفهوم اعتراض به محاق رود. به عبارتی صدا و سیما از اغتشاش‌گران تصویرهای واضحی روایت می‌کند اما از اعتراض به حق، هیچ تصویری برای مخاطب به نمایش نمی‌گذارد. این به این علت است که اساسا جدا سازی این دو بسیار دشوار است. به جای این ادبیات گفتمانی پیشنهاد می‌شود معترضین را به رسمیت شناخته و آنها را به عنوان «بازیگران سیاسی مشروع» قلمداد کنیم. باید به اعتراضات مشروعیت بخشید و در طرف مقابل شیوه صحیح اعتراض را به مردم یاد بدهیم. چه ایرادی دارد صدا و سیما به جای نشان دادن نحوه آشوب و تخریب اغتشاش‌گران که عملا از آنها یک اژدها می‌سازد، نحوه صحیح اعتراض را نمایش بدهد؟ اینکه چگونه فراخوان بدهیم، چگونه به صورت رسمی مجوز بگیریم، چگونه در میدان جمع شویم و...

رفتار دوگانه معاونت سیاسی در پوشش «اغتشاشات» آبان ماه، و «اعتراضات» امریکا نیز اعتماد مخاطب را در پوشش خبری دچار خدشه جدی می‌کند. بستن خیابان، به آتش کشیدن مغازه‌ها و نابود کردن نمادهای سرمایه‌داری از نظر خبر صداوسیما «اعتراض به نابرابری و تبعیض» در امریکا است، اما همین رفتارها در ایران اغتشاش و آشوب قلیلی از دست‌نشانده‌های ضد انقلاب و براندازان است.

ما در اینجا به دنبال پیشنهادات عملی به نهاد رسانه هستیم و رسانه باید تلاش کند تا سواد اعتراضی و انتقادی مردم را ارتقاء بخشد، به مردم یاد دهیم تا چگونه صدایشان شنیده شود. حتی بگوییم که اگر تخریب اموال صورت گیرد رسانه نمیتواند کامل آنرا پوشش دهد. باید به این نکته توجه داشت که سانسورگری اگر بعد از اطلاع باشد به نوعی اجرای قانون تعبیر می‌شود و در نزد افکار عمومی تا حدودی از قباحت می‌افتد. معاونت سیاسی سازمان می‌تواند در این فضا مرامنامه‌ای تنظیم و در موعد مقتضی به صورت شفاف منتشر کند.

۲/۲/۲ برچسب نقد دلسوزانه به معترضین

در هنگام آشوب طی برنامه‌های سیاسی و مهم ذی نفعان و خواسته آشوب کنندگان را دلسوزانه مطرح کنیم. این کار باید از طریق نمایندگان مردمی و یا نمایندگان احزاب سیاسی شکل بگیرد. به عنوان مثال در بخش‌های خبری از نمایندگان اعتراضی حتی خود مردم دعوت کنیم به آنتن زنده بیایند و دغدغه‌های خود را بازگو کنند.

۲/۲/۳ چارچوب‌بندی پوشش اعتراضات در قالب وجود آزادی در ایران

در راهبرد گفتمانی خبر باید اعتراض را به گونه‌ای بازنمایی کرد که نفس وجود یک اعتراض اجتماعی نشانه‌ای از آزادی در جمهوری اسلامی است. این بازنمایی باید با ظرافت هر چه تمام تر انجام پذیرد. به بیان دیگر، رسانه‌های بیگانه تلاش دارند تا اعتراضات را شورش مردم علیه نظام نمایش دهند، در حالی که نظام با هوشیاری می‌تواند این را به عنوان دستاورد خود به جهانیان عرضه کند.

۲/۲/۴ مطالبه گری مداوم

صدا و سیما در راستای روزنامه نگاری تحقیقی از موسسات و نهادهای مورد اعتراض پاسخ بخواهد. این سوال و مطالبه گری باید به صریح‌ترین و بعضاً تندترین حالت ممکن انجام پذیرد. رسانه نباید کوتاه آمده، با جریان سازی مستمر باید نهاد مسئول را مجبور به پاسخ‌گویی نماید.

۲/۲/۵ پوشش اعتراضات به صورت رسمی

خبرنگاران رسمی به جمع معترضین بروند و گزارش جمع کنند. این کار باید توسط خبرنگاران خبره و آموزش دیده انجام پذیرد. دوربین صدا و سیما نمی‌تواند فقط در تظاهرات ۲۲ بهمن به میان مردم برود. باید در تمامی اعتراضات حضور کامل و فعال داشته باشد.

۲/۲/۶ روایت سازی از اعتراضات

خبرنگاران چند داستان و سناریو برای مصاحبه‌ها و پوشش رسانه‌ای اعتراضات انتخاب نمایند. مثلاً روایت زنان و نوجوانان و سایر گروه‌های اجتماعی در اعتراض را پوشش دهند.

۲/۲/۷ ایجاد فضای شهروند خبرنگاری

خبرگزاری‌ها و رسانه‌های رسمی متأسفانه به دلیل تکیه بر خبرنگاران رسمی خود، از ظرفیت شهروند خبرنگاران غافل هستند و گزارش‌های مردمی کمتری برای نمایش دارد. برای واقعی کردن فضا شهروند خبرنگار کاملاً مورد نیاز است. در همین فضا لازم است تا صدا و سیما به جای تهیه گزارشات رسمی با دوربین‌های رسمی، از فیلم‌هایی استفاده کند که توسط شهروند خبرنگاران صدا و سیما تهیه و در بستر شبکه‌های اجتماعی قرار داده شده است و صدا و سیما از آن فیلم‌ها استفاده کند.

۲/۲/۸ حضور قدرتمند شبکه خبر در شبکه‌های اجتماعی

حضور قدرتمند شبکه خبر در شبکه‌های اجتماعی می‌تواند تا حدودی جریان انحصاری خبر در شبکه‌های اجتماعی که از آن بی بی سی و منو تو است بشکند. در هنگام اعتراضات به خصوص روایت سازی‌های شبکه‌ای بسیار حائز اهمیت است. متأسفانه صدا و سیما هیچ صفحه رسمی خبری در شبکه‌های اجتماعی ندارد.

۲/۲/۹ الگوسازی از اعتراضات مدنی

در جهت بازنمایی صحیح یک اعتراض مدنی بخش معاونت سیما باید شروع به ساخت فیلم‌های باکیفیت از اعتراض‌های مدنی در ایران بکند تا الگوی مناسبی در فیلم‌ها به نمایش گذاشته شود. صدا و سیما نباید از این اقدام بترسد یا جانب احتیاط در پیش گیرد چراکه مسئله اعتراض یکی از مهم ترین حوزه‌های برخورد ملت و حاکمیت می‌باشد و این در حالی است که شهروندان هیچ تجربه نابی از این جنبش‌های اعتراضی ندارد. فیلم و سریال می‌تواند آن تجربه را در قالب یک فیلمنامه منظم و قوی بازتاب دهد.

۳. ظرفیت کنشگری چهره‌های مشهور (سلبریتی‌ها) در اعتراضات

سلبرینی همواره به عنوان یکی از ارکان فعال در اعتراضات و اغتشاشات مطرح هستند. آسیب‌شناسی و برنامه ریزی برای راهبری سلبریتی‌ها نیازمند گزارشی مفصل است، اما آسیب‌شناسی و برنامه ریزی برای نوع کنش‌کنشگری آن‌ها در فضای اعتراض یکی از محورهای اصلی بخش پیشنهادات این گزارش است.

۳/۱ مبالغه در ظرفیت

پیش از ورود به جایگاه سلبریتی‌ها در اعتراض امن، بایستی ظرفیت بالقوه‌ی آن‌ها در اثرگذاری اجتماعی مورد بررسی انتقادی قرارگیرد، چرا که معمولاً در مورد اثرگذاری این افراد به صورت اغراق آمیز سخن گفته می‌شود. در حقیقت سلبریتی‌ها کنشگرانی اجتماعی هستند که می‌توانند اثرگذاری بالایی داشته باشند، اما با دو محدودیت:

اول: توانایی بسیج اجتماعی و پایه گذاری یک انگیزه یا باور جدید را ندارند، بلکه توانایی «اطلاع رسانی»، ضریب دادن و گسترش جریانات موجود، و همچنین حمایت و تقویت انگیزه‌های شکل گرفته هستند. به طور مثال، در قضیه پوشش اعدام نکنید، این افراد توانستند پوششی که از پیش موجود بود را به اطلاع افراد بیشتری رسانده، گستره‌ی مخاطبان آن را افزایش دهند. چرا که سلبریتی‌ها «رهبر فکری» کسی نیستند، بلکه الگوهای سبک زندگی و رفاهی مردم (آمال و آرزو) هستند.

دوم: سلبریتی‌ها به صورت فرد به فرد قدرت چندانی ندارند، چرا که مخاطبان آن‌ها در شبکه‌های اجتماعی بسیار محدود است. به طور میانگین در فضای مجازی یک الی دو میلیون نفر دنبال کننده دارند که این جمعیت تقریباً به هیچ وجه قابلیت

شکل دهی به یک جریان اجتماعی را ندارند. اما هنگامی که سلبریتی‌ها به صورت هماهنگ و دسته جمعی یک پیام را منتقل می‌کنند، این اثرگذاری به شدت افزایش می‌یابد.

۳/۲ نظام تعاملات عاطفی

پیچیدگی نظام تعاملات سلبریتی‌ها به این دلیل است که روابط قدرت در میان آن‌ها، با روابط قدرت در نظام سیاسی و حتی اقتصادی متفاوت بوده و لذا آن‌ها را نمی‌توان به صورت سازمانی یا دستوری مدیریت نمود، اما این به معنای این نیست که هیچ‌گونه مدیریت و راهبری را نمی‌پذیرند. در گذشته بارها شاهد حرکت دسته جمعی و هماهنگ سلبریتی‌ها بوده ایم که نشان از یک مدیریت منسجم دارد. مدیریت عاطفی، ایجاد رفاقت و دوستی، و ایجاد ارتباط مستمر و موثر در راهبری سلبریتی‌ها حرف اول را می‌زند. همین امر است که ورود به شبکه‌ی ارتباطی این افراد را دشوار می‌کند. در واقع پشت صحنه سلبریتی‌ها مهم‌تر از تعاملات آن‌ها در جلوی صحنه است. اگر در پشت صحنه حرکت‌های حمایتی چه از حیث عاطفی و چه از حیث معیشتی توسط سازمان‌های متولی صورت نگیرد، این کار توسط گروه‌ها و باندهای شکل گرفته در فضای هنری کشور صورت می‌پذیرد که طبعاً تأثیرات سیاسی خودش را خواهد داشت.

۳/۳ نبود درک درست در الگور راهبری سلبریتی‌ها

به دلیل اینکه عموم سازمان‌های رسانه‌ای در جمهوری اسلامی مبتنی بر روابط قدرت (دستوری و از بالا به پایین) یا تعاملات مالی در صدد راهبری سلبریتی‌ها هستند، لذا معمولاً این افراد به محض اینکه از وابستگی به یک سازمان خارج می‌شوند، مواضع و نگاه‌های بسیار متفاوتی را بیان می‌نمایند.

پیشنهاد اجرایی (بلند مدت) این است که به جای سازمان‌ها، باید «افراد» (که می‌توانند افراد حقوقی باشند و یا از حمایت سازمان‌های متولی مانند سازمان تبلیغات و سازمان سینمایی کشور برخوردار باشند) ماموریت راهبری و ایجاد ارتباط واقعی و دوستانه با سلبریتی‌ها را بر عهده بگیرند. مدیران به دلیل جا به جایی و عدم ثبات در سازمان‌ها معمولاً موفق به ایجاد این ارتباط نشده‌اند، اما **تهیه کنندگان** می‌توانند نقش واسطه‌گری بسیار موثر در این زمینه را ایفا نمایند.

۴. اعتراض میدانی

یکی از مهمترین و عمومی‌ترین نمودهای اعتراض را باید اعتراض میدانی و برگزاری تجمعات مردمی دانست. هرچند به این مساله بیش از آنکه به صورت فرصت محور مشاهده گردد با دیدی تهدیدمحور که زمینه ساز آشوب و ناامنی روانی در

جامعه را فراهم می‌آورد نگرینسته میشود. در صورتی که احساس جامعه در نقطه مقابل آن قرار داد. از دو منظر شکل گیری اعتراض مستقیم فرصت است:

اول، رسیدن **صدای مردم** به صورت مستقیم و بدون واسطه به مسئولین و مطالبه مشکلات در صحن عمومی جامعه که زمینه سازی مطالبات برای حل مشکلات را فراهم می‌آورد.

دوم، نیز **تخلیه انرژی متراکم نارضایتی** در چهارچوب معین و در ساختار نظام جمهوری اسلامی است به نحوی که زمینه سوءاستفاده‌های بیرونی برای این تخلیه از بین خواهد رفت.

سوم، مشاهده‌ی به اثر رسیدن صدای اعتراض، مردم را نسبت به بهبود اوضاع امیدوار کرده و این امیدواری به عنوان یک موتور محرک اجتماعی می‌تواند خود به کمک در اصلاح امور دخیل شود. اما در صورتی که اعتراضات بدون هیچ اثری به اتمام برسد، می‌تواند موجبات ناامیدی حتی بیشتر مردم را ایجاد کند.

بر همین اساس راهکار نه فرار از زمینه سازی این بستر اعتراض و نه برخورد‌های تند با معترضین است. پر واضح است که این تجمعات و اعتراضات با قید مسالت آمیز بودن مورد دفاع می‌باشد.

۴/۱ سازماندهی کردن تجمعات

برای تحقق تجمعات ایمن با توجه به ملاحظات فراوان اعتراضات میدانی و تجمعات خیابانی، نه صرفاً مشخص کردن مکان‌های محدود و خنثی برای اعتراضات مورد نیاز است، بلکه باید مسئولیت پذیر کردن اجتماعات به واسطه **رهبر و جریان اصلی مسئول برگزاری تجمع اعتراضی** در دستور کار قرار بگیرد. در واقع آنچه دغدغه برگزاری اعتراض امن، چهارچوب مند، پیشران و مسئولیت پذیر اجتماعی سیاسی را فراهم می‌کند، واگذاری و عهده داری اعتراضات به افراد حقیقی - حقوقی و یا سازمانها، احزاب و تشکل‌های مردمی است. بر همین مبنا اعطای مجوز به فرد یا مجموعه‌ای مورد اعتماد علاوه بر کنترل کردن تجمعات زمینه‌های پیگیری و شناسایی‌های لازم در ادامه را خواهد داشت. طبیعی است که این رهبران و بانیان نباید لزوماً از یک جناح و یا یک طیف خاص باشند، تا زمینه برای حضور و نمایندگی حداکثری فراهم آید. طبیعی است که این اعتراض و اجازه بیان، شامل همه مسائل و دیدگاه‌ها در جامعه نمی‌گردد و اغلب مسائل اقتصادی و معیشتی را به همراه باید داشته باشد تا موضوعات اجتماعی و سیاسی.

۴/۲ مکان اعتراضات

اعتراضات طبیعتاً در مکانی مشخص رخ می‌دهد؛ لذا تدبیر ملاحظات مکانی برای اعتراضات امری لازم و ضروری است. همانطور که گفته شد، محدود کردن مکان تجمعات خطر نمایشی شدن و عدم اقبال مردم برای حضور و مشارکت را در پی دارد. حاکمیت باید با نگاهی مدبرانه و مصلحت اندیشانه در حوزه ملاحظات امنیتی و ترافیکی امکان برگزاری برای کلیه

مکان‌های عمومی یعنی مقابل سازمان‌های رسمی نظیر مجلس و استانداری‌ها و شهرداری‌ها، همچنین میادین و مکان‌هایی از شهرها که خاصیتی نمادین دارند (مانند میدان فلسطین، میدان ولی عصر، مسجد بازار در تهران) فراهم آورد.

۴/۳ مجوزهای تجمعات

باید در حوزه تجمعات تسهیل در اخذ مجوز توسط دو دسته اشخاص (حقیقی) و مجموعه‌ها و سازمان‌های مردمی (حقوقی) محقق گردد. اشخاص حقیقی شامل فعالان سیاسی و اجتماعی و اقتصادی که مورد اعتماد و با صلاحیت می‌شود. در حوزه سازمان‌های حقوقی سه گروه از مجموعه‌های مردمی را میتوان در نظر داشت:

۱. تشکل‌های دانشجویی (بسیج دانشجویی، انجمن اسلامی، جنبش عدالتخواه و...): به عنوان پیشروترین و مطمئن‌ترین مجموعه مردمی که مطالبات مردمی را پیگیری می‌کنند.

۲. مجموعه‌های مردمی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی

۳. اصناف و گروه‌های کارگری